

## حقوق بین الملل خصوصی

شده بی شباهت نیست ولی امری است بکلی جدا و اگر این استدلال قبول شود ناچار باید تقریباً بتمام احکام صادر از محاکم خارجی قوه اجرائی اعطاء شود اگرچه آن احکام بجای اجراء عدالت ظلم بینی را متضمن باشد. ثانیاً - بین طرفین بهیچوجه تمهیدی مشر بر اجزای حکم موجود نمی باشد و اگر آنها خود را مطیع محکمه حاکمه قرار داده اند نه از این حیث است که باین امر تراخی کرده باشند بلکه برای این است که چاره جز آن نداشته اند.

### مطابق عقیده دوم

اعتبار قضیه مختومه مخصوص احکام صادر از محاکم داخلی است و احکام خسارچه دارای این اعتبار نمیباشند بنا بر این محکمه که می خواهد اجازه اجراء حکمی را بدهد داخل در ماهیت دعوی شده و عنداللزوم میتواند بجای حکمی که از محکمه خارجی صادر شده حکم جدیدی صادر نماید این عقیده نیز خالی از شایه نیست زیرا کسی که تقاضای اجراء حکم را می کند از محکمه نمی خواهد که در دعوی او تجدید نظر شود و عند الاقتضاء مفاد حکم را عوض نمایند و محکمه مزبور باید یا قوه اجرائی به آن حکم کلاً یا جزئاً بدهد یا از اعطاء این قوه خودداری نماید و قائل شدن این حکم که محکمه میتواند در ماهیت دعوی تجدید نظر کند و عند الاقتضاء حکم جدیدی جای گیر حکم سابق نماید مخالفت واضح با اصل احترام حقوق تحصیل شده خواهد بود.

### مطابق عقیده سوم

عقیده مزبور که مهمتر بنظر می آید اینست که محکمه باید حق ورود بماهیت دعوی داشته باشد ولی نه از حیث اینکه بخواهد مفاد حکم را عوض کند بلکه

رایباً - اجراء حکم در ایران نباید با نظم عمومی واقع ایران اصطکاک داشته باشد موارد تشخیص اینکه آیا اجراء حکم خارجی با نظم عمومی داخلی اصطکاک دارد یا نه بنظر خود محکمه است مثلاً:

در بعضی از کشورها اجراء حکمی را که بدون دادن حق دفاع بمدعی علیه صادر شده باشد و یا مخالف با حکمی باشد که در همان موضوع از محاکم داخلی صادر شده است مخالف با نظم عمومی تشخیص میدهد.

خاصاً - حکم باید از نقطه نظر ماهیتی صحیحاً صادر شده باشد در موضوع این شرط اختلاف نظر مهمی موجود است و آن عبارت از این است که آیا محکمه که تقاضای اعطای قوه اجرائی از آن شده است تا چه اندازه میتواند داخل در ماهیت دعوی شده و تشخیص دهد که حکم ماهیتاً صحیح صادر شده است یا نه در این موضوع سه عقیده مهم موجود است.

### مطابق عقیده اول

محکمه نباید داخل در ماهیت دعوی بشود - طرفداران این عقیده چنین استدلال میکنند که محکوم له باعتبار حکمی که اعتبار قضیه مختومه را پیدا کرده است تحصیل حقی نموده و آن حق باید همیشه رعایت شود مگر اینکه رعایت آن مخالف با نظم جامعه داخلی باشد و تشخیص این موضوع هم بهیچوجه مستلزم ورود در ماهیت دعوی نخواهد بود و بلاوه چون طرفین دعوی خود را مطیع محکمه اجنبی قرار داده اند بنا بر این بین آنها یکنوع تمهیدی موجود است مشر بر اینکه حکم صادر از آن محکمه را اجرا نمایند استدلال فوق صحیح بنظر نمی آید زیرا:

اولاً - اعتبار قضیه محکومه اگرچه با حق تحصیل

خواهد بود .

اولاً - آن حکم باید در ایران همان اثری را تولید کند که مطابق قانون متبوع محکمه صادر کنند حکم میتواند دارا باشد .

ثانیاً - آن حکم نمی تواند در ایران اثری بیشتر از آنچه که در کشور اصلی خود دارد تولید کند .

ثالثاً - آن حکم نمی تواند در ایران اثری که مخالف با نظام عمومی داخلی باشد تولید نماید .

خاتمه

فقط از این جهت که آیا بحکم مزبور میتوان قوماً اجرائی اعطاء نمود یا نه و بنابراین محکمه باید یا تقاضای قوه اجرائی را بدون هیچ قید و شرطی رد کند یا آنرا قبول نماید و یا فقط اجازه اجراء قسمتی از حکم را بدهد که در داخله کشور قابل اجرا میباشد و بر عکس محکمه مزبور نمیتواند میزان محکوم به را تغییر داده و یا بجای محکوم به حکم صادره از محکمه خارجی محکوم به دیگری معین کند در هر حال همینکه بحکم صادر از محکمه خارجی قوه اجرائی اعطا شد آن حکم میتواند در داخل کشور تولید اثر کند و بموقع اجرا گذارده شود ولسی در این صورت نیز رعایت نکات ذیل حتمی